

نگاهی به

تاریخ نشریات کارگری در ایران

دکتر تقی ارانی (از مبلغین سوسیالیسم علمی و انقلابی در ایران) در بخشی از دفاعیات خود در بیدادگاه رژیم پهلوی - که منجر به زندان و قتل وی در زندان شد - چنین می گوید: «چقدر برای یک جامعه ننگین است که طرفداری از کارگران و حفظ حقوق آنها، اینقدر سخت مجازات می شود. چرا اینقدر از سخت کوشان جامعه می ترسید؟ چقدر زنده است که مأموران شهربانی تا چشمشان به ورقه ای که کلمه کارگر روی آن چاپ شده می افتد، با تمام نیرو به آن حمله می کنند...»

و البته در تاریخ ایران بسیار بوده اوراقی که با افتخار نام کارگران را بر پیشانی خود نقش زدند، نشریاتی که از حقوق کارگران و زحمتکشان جامعه دفاع می کردند.

نخستین روزنامه ها و مجلات کارگری (سوسیالیستی) به زبان فارسی توسط ایرانیان در نقاطی که تجمع کارگران ایرانی در آن بیشتر بود و نخستین سازمان های کارگری در آنجا تشکیل شده بود، منتشر می شدند. در قفقاز و شهرهای آسیای میانه، نشریاتی مانند: «بیرق عدالت» و «یولداش» و «آزادی ایران» و «حامبال» و «همت» و... منتشر می شدند. به غیر از این در برخی روزنامه های آزادی خواه و پیشروی آن زمان که به زبان فارسی منتشر می شدند، مطالبی در حمایت از کارگران ایران درج شده است که از میان آنها می توان به «قانون» چاپ لندن و «اختر» چاپ استانبول و «جبل المتین» «کلکته» و «ثریا» چاپ قاهره اشاره کرد.

روزنامه های «ایران نو»، «شرق»، «مجلس» و «صور اسرافیل» در تهران هم کمابیش به مسائل کارگران می پرداختند. به ویژه **علی اکبر دهخدا** در ستون طنز روزنامه «صور اسرافیل» و در بخش قانون همواره از حقوق کارگران دفاع می کرد.

شماره نخست نشریه «آزادی ایران» ارگان حزب کمونیست ایران، در ۱۹۲۲ میلادی منتشر شد که در آن کارگران را به اتحاد برای انقلاب علیه حکومت وقت تشویق می کرد.

پیش از این و در سال ۱۹۱۹ میلادی در روسیه دو نشریه فارسی کمونیستی منتشر می شدند. «شعله انقلاب» نشریه ای تاجیک بود که به فارسی و برای دفاع از حقوق کارگران در **سمرقند** منتشر می شد. و روزنامه «نجات» که ارگان شاخه نظامی - انقلابی ماورای خزر بود. بعد از این ها سه روزنامه نگار مشهور آن دوران **پیشه وری**، **نعمت بصیر** و **کامران آقازاده** روزنامه «کمونیست ایران» را در رشت، مرکز استان گیلان منتشر کردند. و پس از شکلگیری جمهوری گیلان بود که کمونیست های ایران توانستند برای اولین بار با نام خود به ترویج مرام خود بپردازند. جمهوری گیلان نیز موفق شد چند شماره روزنامه «جنگل» را به عنوان ارگان خود منتشر کند. همچنین روزنامه های «لوا سرخ» و «سرباز سرخ» را نیز منتشر کردند.

در آغاز دهه ۱۲۹۰ شمسی، شورای مرکزی اتحادیه های کارگری در تهران تأسیس شد و نخستین روزنامه رسمی کارگران ایران، که وابستگی حزبی نداشت و مستقل بود را با عنوان «حقیقت» منتشر کرد. در شهر **خوی** در آذربایجان نیز روزنامه «کارگر» منتشر شد. در تبریز مجله هفتگی «تکامل» و در رشت روزنامه های «پیام» و «صورت» و در قزوین روزنامه «نصیحت» و... یکی بعد از دیگری منتشر شدند. بدین ترتیب تا پیش از به قدرت رسیدن رضا پهلوی در سال ۱۳۰۳

نشریات کارگری تقریباً به شکل علنی منتشر می شدند و در سراسر ایران و کشورهای همسایه پخش می شدند.

پس از نابود کردن جنبش دموکراتیک در ایران توسط رضا شاه و برقراری دیکتاتوری نظامی، فعالیت تمام احزاب و سازمان های پیشرو و کارگری ممنوع و بازداشت های دسته جمعی آغاز شد. بسیاری از رهبران کارگری و فعالین سندیکایی به قتل رسیدند و نشریات کارگری توقیف شدند.

این وضع تا اعتصاب گسترده کارگران جنوب ایران در سال ۱۳۰۵ ادامه داشت. آنها پس از اعتصاب در آن سال روزنامه «حیات کارگری» را منتشر کردند که اگرچه به زودی توسط پلیس توقیف شد، اما آغازگر دور جدیدی از انتشار نشریات کارگری در ایران شد.

شاخه مخفی جوانان حزب کمونیست ایران نیز پس از آن روزنامه «بلشویک جوان» را منتشر کرد. که بین دانشجویان و جوانان خواننده داشت.

در همین زمان مجله «جرقه» نیز مدت زمان کوتاهی منتشر شد. کمیته ایالتی آذربایجان حزب کمونیست ایران روزنامه «فریاد کارگران آذربایجان» و مجله «شراره» را به صورت مخفی در تبریز منتشر می کردند. همچنین در تبریز روزنامه «کمونیست» به صورت پلی کپی منتشر می شد.

در همین سال هاست که دکتر تقی ارانی که در برلین دانشجوی بود، در انتشار نشریه «ستاره سرخ» همکاری می کند. **مرتضی علوی** نیز در ۱۹۳۱ میلادی در آلمان روزنامه «پیکار» را منتشر می کند.

فرخی یزدی شاعر و روزنامه نگاری که مشهور به زبان مردم ایران بود، روزنامه «توفان» را در تهران منتشر می کرد. وی پس از تبعید و در برلین اقدام به انتشار روزنامه «نهضت» نیز کرده بود. او با شکنجه فراوان و فجع توسط حکومت دیکتاتوری رضاشاه کشته شد.

با تصویب قوانین سخت و دیکتاتوری مستبدانه در سال ۱۹۳۱ میلادی بازداشت ها و توقیف ها دوباره شدت گرفت. از این دوره تا سال ۱۳۱۲ تقریباً فعالیت های کارگری و سندیکایی از بین می رود. تا زمانی که دکتر ارانی مجله «دنیا» را منتشر می کند. مجله ای علمی و سوسیالیستی که پس از یک سال با زندانی شدن ارانی و پنجاه و سه نفر، متوقف می شود.

با تشکیل حزب توده ایران در سال ۱۳۱۹ انتشار روزنامه «سیاست» و یک سال بعد از آن انتشار روزنامه «مردم» آغاز می شود. حزب پس از توقیف مردم روزنامه «رهبر» را منتشر می کند. و این سیاست جایگزینی نشریات جدید به جای نشریات توقیف شده باعث می شود نام های زیادی از نشریات با محتوی شبیه به هم جایگزین همدیگر شوند. حزب توده ایران در سراسر کشور شعبه هایی فعال داشت که هرکدام نشریات خود را منتشر می کردند. این نشریات در آگاه سازی طبقه کارگر در ایران و حمایت از حقوق آنها نقش زیادی داشتند.

«فرقه دموکرات آذربایجان» هم در سال ۱۳۲۳ روزنامه «آذربایجان» را منتشر کرد. بعد از آن سال و بعد از سرکوب فرقه روند انتشار نشریات در ایران کند شده و کارگران به نشر مخفی اعلامیه ها و شب نامه ها و جزوه های سیاسی به جای نشریات رسمی روی آوردند. و این وضع تا سال ۵۶-۷ ادامه می یابد. در زمان انقلاب در ایران نشریات کارگری و بسیاری نشریات دیگر وابسته به سازمان ها و گروه های سیاسی هوادار کارگران در تهران به شکل مخفی و با تیراژ زیادی منتشر می شد.

پس از انقلاب نیز با فاصله کوتاهی تعداد نشریات حزبی و سازمانی زیادی منتشر می شود.

این نشریات که عموماً ارگان‌های سیاسی سازمان‌های انقلابی بودند مقولات کارگری را از منظر مواضع سازمان‌ها و احزاب متبوع خود دنبال می‌کردند و بخش قابل توجهی از توان و فرصت عمل تبلیغی‌شان را مصروف نقد دیدگاه‌ها و موضعگیری‌های جریان‌های دیگر و عملکرد دولت تازه تأسیس نمودند.

فهرستی از بیش از ۱۰۰ روزنامه و هفته‌نامه که یکی - دو سال بعد از انقلاب فقط در تهران منتشر می‌شد، در اول تیر ۱۳۵۸ در نشریه «تهران مصور» به نقل از «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات» منتشر شده بود که بدین شرح است: «آرمان» ارگان سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات، «اتحاد» ویژه کارگران و دهقانان (وابسته به حزب توده ایران)، «آدرخش» ارگان دانش‌آموزان دموکرات، «آزادی» ارگان جبهه دموکراتیک ملی، «اندیشه آزاد» دوهفته‌نامه کانون

نویسندگان ایران، «بیداری زن» نشریه جمعیت

بیداری زنان، «برابری» ارگان زنان مبارز،

«پیام خلق» ارگان سازمان مجاهدین خلق ایران،

«پیکار» ارگان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر،

«پیکار خلق» ارگان گروه انقلابیون مارکسیست،

«توفان» ارگان مرکزی حزب کمونیست کارگران و

دهقانان ایران، «توفان» ارگان سازمان

مارکسیستی - لنینیستی توفان،

«جبهه ملی ایران» نشریه جبهه ملی ایران،

«جبهه آزادی» ارگان رسمی حزب ایران،

«جوانان انقلابی» ارگان سازمان جوانان انقلابی،

«جمهوری اسلامی» وابسته به حزب جمهوری

اسلامی، «جمهوری خلق مسلمان ایران» وابسته

به حزب جمهوری خلق مسلمان ایران،

«جهاد معلم» ارگان معلمان مسلمان، «جرس» ویژه

دهقانان (وابسته به حزب توده ایران)، «حقیقت»

ارگان مرکزی اتحادیه کمونیست‌های ایران،

«خلق» ارگان سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد

حزب طبقه کارگر، «دانش‌آموز» نشریه انجمن اسلامی دانش‌آموزان،

«رهائی زن» نشریه انجمن رهائی زن، «رنجبر» ارگان سازمان انقلابی

رنجبران، «زن مبارز» نشریه جمعیت زنان مبارز، «سنگر» ارگان سازمان

سراسری دانشجویان، «سپیده سرخ» ارگان اتحادیه انقلابی زنان،

«سرباز و انقلاب» ارگان پرسنل انقلابی نیروهای مسلح، «شنبه سرخ»

نشریه اتحادیه انقلابی دانش‌آموزان ایران، «صدای دانشجو» نشریه‌ای

برای ایجاد تشکیلات سراسری دانشجویی، «عصر» نشریه انجمن

اسلامی فرهنگ و هنر، «عدالت» نشریه جمعیت عدالت، «فجر امید»

نشریه انجمن اسلامی فجر امید، «فلق» ارگان سازمان رزمندگان خلق

(المهدی)، «کار» ارگان سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، «کارگر»

ارگان حزب کارگران سوسیالیست، «کارگر» ارگان سازمان سیاسی کارگر،

«مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، «مردم ایران» نشریه جنبش

انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)، «معلم» نشریه کانون مستقل معلمان،

«مبارز» ارگان کارگری، دهقانی سازمان کارگران مبارز ایران، «نبرد ملت»

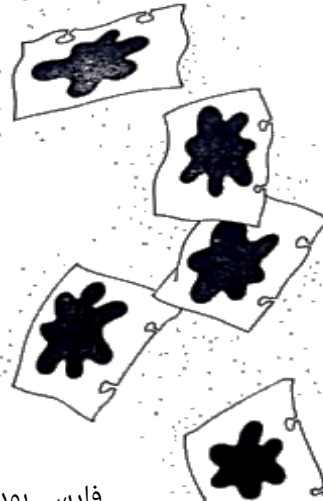
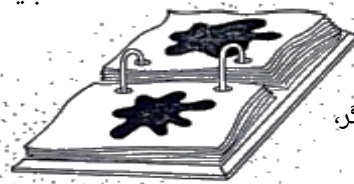
ارگان فدائیان اسلام، «نهضت زنان مسلمان ایران» نشریه نهضت زنان

مسلمان ایران، «هفده شهریور» نشریه جمعیت زنان ایران و و ده‌ها

نشریه و روزنامه مستقل دیگر. اما پس از سرکوب سازمان‌های سیاسی

چپ و آغاز انقلاب فرهنگی دیگر چیزی از نشریات کارگری باقی نماند و

کارگران محملی برای بیان صدای خود نیافتند.



ویرج از کامپیتر درمخبر

شاید تنها روزنامه «کار و کارگر» ارگان خانه کارگر است که به قوت اتصالاتش به دولت، منتشر می‌شود، نشریه‌ای که نام کارگر را بر پیشانی دارد، اما صدای نمایندگان رسمی و دولتی کارگران را مطرح می‌کند. طرح و بیان مسائل کارگری در روزنامه‌ها و رسانه‌های رسمی بسیار محدود و از خطوط قرمز محسوب می‌شود.

خطوطی که رسم آنها به پیش از تصویب قانون اساسی بر می‌گردد و از همان نخستین لایحه موسوم به «پیش‌نویس قانون مطبوعات» در سال ۱۳۵۸ و به تبع آن توقیف و تعطیلی و مصادره غالب نشریات مذکور آغاز شد. که خود حدیثی مفصل است و بررسی آن نیاز به مقدماتی دارد که از این مقال خارج است، و در اینجا تنها به تاریخچه و مطبوعات کارگری کشور اشاره‌ای گذرا شده است. و از آغاز دهه ۱۳۶۰ عملاً جز دو روزنامه رسمی اطلاعات و کیهان و چند نشریه اقماری آنان، چیزی منتشر نمی‌شد. اما نباید فراموش کرد توقیف و تعطیلی مطبوعات و صداهای گوناگون در جامعه از همان سال ۱۳۵۸ مقدمه

ذبح مجلس مؤسسان بود و فشل کردن چرخ دموکراسی؛ سیاستی که نه تنها به مطبوعات آسیب زد؛ آسیب‌های آن در غیاب مطبوعات منتقد و پرسشگر، در عرصه سیاسی و اقتصادی کشور نیز تا امروز باقی مانده است...

به غیر از نمونه‌هایی که نامشان آمد، و همه از نشریاتی بودند که در تهران منتشر می‌شدند؛ در شهرستان‌ها نیز به همین کیفیت و کمیت نشریاتی در نخستین سال‌های پس از انقلاب منتشر می‌شد که نقش زیادی در آگاهی طبقاتی کارگران و زحمتکشان کشور داشتند. به عنوان مثال در رشت مجله فرهنگی، ادبی «دامون» که به زبان فارسی و گیلکی منتشر شد؛ یا «فریاد گیلان» که از نشریات قدیمی ادبی، تحلیلی باسابقه استان گیلان به‌شمار می‌رفت، در کردستان «هیوا» که به زبان کردی و

فارسی بود یا «یولداش» در آذربایجان که به زبان ترکی و فارسی منتشر می‌شد و همچنین روزنامه «جهش» در مازندران که بیشتر به اخبار کشاورزان می‌پرداخت. روزنامه اخیر در نخستین شماره خود در مطلبی با عنوان «چرا مفتاحی‌ها نه؟» به تنگ‌نظری برخی گروه‌ها تاخته و یادآور شده که چرا در نامگذاری‌ها از نام‌های افتخارآمیزی همچون **مفتاحی‌ها**، **سپهری‌ها** و **فرهودی‌ها** استفاده نمی‌شود...

در این بین نشریاتی مانند «صدای کارگر» به وضوح و بیشتر از سایر نشریاتی که نامشان گذشت، دارای مشی کارگری بودند، این نشریه که خود را مدافع حقوق کارگران ایران و جهان می‌نامید، مدافع شوراهای کارگری بود و مطرح می‌کرد که: «دولت تنها با اتکا به کارگران و اطمینان به شوراهای کارگری می‌تواند سامانی به اقتصاد نابسامان کنونی بدهد». این تنها آزادی‌اندیشه و بیان و نشر است که می‌تواند ضامن برابری و برقراری عدالت در جامعه باشد و این میان مطبوعاتی که از حقوق مردم نابرخوردار، علیه گروه اندک برخوردار از قدرت و ثروت، دفاع می‌کنند، بسیار اندک و در معرض انواع آسیب‌ها قرار دارند. نشریات کارگری منتشر شده در تاریخ معاصر ایران برای دفاع از حقوق کارگران و کشاورزان، با سانسور و مشکلات زیادی مواجه بودند و روزنامه‌نگاران مردمی همواره در معرض تهدید و آزار و حتی شهادت هستند. اما همه این‌ها را به یاری نیروی عظیم و حمایت مردم و کارگران با ایمان به پیروزی این راه، تاب آوردند.